

# خاورمیانه: اعتراض‌های توده‌ای به جای جنگ‌های فرقه‌ای

پاتریک کوبرن



جنگ‌های داخلی فرقه‌ای و قومی که طی ۴۰ سال گذشته بخش بزرگی از خاورمیانه را ویران کرده رو به پایان است. جایگزین آن‌ها نوع جدیدی از مبارزه است که در آن اعتراضاتی همانند قیام‌های مردمی تن‌نخبگان فاسدی را به لرزه درمی‌آورند که قدرت‌شان را با این ادعا توجیه می‌کنند که مدافعان اجتماع در برابر تهدید خشونت یا هم‌نوع‌کشی افراطی‌اند.

در ماه اکتبر در اتاقم در هتلی در بغداد نشسته بودم و فکر می‌کردم مقاله‌ای درباره‌ی بازگشت صلح به پایتخت عراق بعد از شکست داعش بنویسم. از آخرین انفجار بزرگ در خیابان‌های بغداد که به مرگ بسیاری انجامیده بود سه سال می‌گذشت، چیزی که بارها به شکل خوفناکی تکرار می‌شد.

داشتم کارم را شروع می‌کردم که صدای «تق تق» از دور شنیدم که به نظرم صدای گلوله می‌آمد، اما فکر کردم احتمالاً مردمی باشند که دارند در عروسی یا مسابقه‌ی فوتبال پایکوبی می‌کنند. اما موج شلیک گلوله‌ها طولانی‌تر از آن بود که چنین توجیهی درست باشد و به سالن ورودی رفتم تا ببینم در خیابان چه خبر است. قبل از این که به آنجا برسم، مردی به من گفت که نیروهای امنیتی به معترضان در نزدیک میدان تحریر شلیک می‌کردند: «تا حالا ۱۰ نفر کشته شدند.»

آمار کشته‌شدگان خیلی بیش‌تر از آن بود: آمار رسمی از ۱۵۷ کشته و ۱۰۰۶ مجروح خبر می‌دهد، اما پزشکان به من گفتند که آمار واقعی کشته‌شدگان بسیار بیش‌تر است. معترضان که ابتدا شمارشان کم بود، خواهان شغل، پایان دادن به فساد و بهبود خدمات ضروری مثل برق و آب بهتر بودند. اما کس یا کسانی در نیروهای امنیتی دولتی که شبه‌نظامیان هوادار ایران تکمیل‌شان می‌کردند، چنین مطالباتی برای عدالت اجتماعی و اقتصادی را تهدیدی برای وضع موجود سیاسی می‌دانستند که باید با آتش مستقیم گلوله، مقررات منع آمدوشد برای هفت میلیون ساکن بغداد و قطع اینترنت، سرکوب می‌شد.

سرکوب برای مدت کوتاهی جواب داد، اما عمق نفرت از دزدی ۴۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی عراق بعد از ۲۰۰۳ چنان بود که اعتراضات به ناگزیر دوباره شعله‌ور شد، چنان که در جمعه نیز ۲۳ نفر کشته شدند و ادارات دولتی به آتش کشیده شد. فکر کردم این درست همان چیزی بود که وقتی، چند هفته بعد که به انگلستان برگشتم، رخ داد؛ یعنی وقتی که تلویزیون را روشن کردم و توده‌های معترض را در جایی دیدم که مشخص بود شهری در خاورمیانه است. اما معلوم شد که این جا بیروت است نه بغداد، هرچند انگیزه‌ی اعتراضات یکسان بود: خشم از طبقه‌ی حاکم آکنده از فساد در حالی که در ارائه‌ی خدمات اولیه برای مردم ناتوان‌اند. امیدوارکننده است که هم در لبنان و هم در عراق، رهبران جماعت‌های مختلف درمی‌یابند که پیروان‌شان به آنان به چشم اعضای مافیا نگاه می‌کنند و درخواست‌شان را برای وحدت جمعی نمی‌پذیرند.

این دوره‌ی گذار است و هیچ‌گاه نباید توان رهبران آماج ستیزه‌های مردمی را در راه‌انداختن فرقه‌گرایی برای تفرقه‌افکنی میان مخالفان سوءحاکمیت غارتگرانه‌شان دست کم گرفت.

من نخستین بار در ۱۹۷۵ که تازه از جنگ فرقه‌ای در ایرلند شمالی خلاص شده بودم به خاورمیانه رفتم. تا آغاز جنگ داخلی در لبنان میان مجموعه‌ای از جماعت‌ها را گزارش کنم که خودشان را برحسب مذهب و قومیت تعریف می‌کردند. در سال‌های بعد در عراق، شاهد بودم که اختلافات بین سنی و شیعه شدت یافت و بعد از سقوط صدام در ۲۰۰۳ حمام خون فرقه‌ای ایجاد کرد. [اعتراضات مردمی در سوریه در ۲۰۱۱](#) به سرعت به جنگ داخلی فرقه‌ای و قومی با شدتی وحشتناک بدل شد که شاید تازه اکنون رو به پایان باشد. نه به این دلیل که همه‌ی طرف‌های درگیر متوجه اشتباه روش‌شان شده یا ناگهان متوجه شده‌اند که رهبران‌شان اغلب پول‌سالارانی جنایتکارند. بلکه از آن رو که برندگان و بازندگان این منازعات پدیدار شده‌اند، پس آنانی که در قدرت‌اند دیگر نمی‌توانند

توجهات را از فساد فراگیرشان با این ادعا منحرف کنند که اجتماعشان در معرض خطر دشمنان بی‌رحم است.

فاتحان و پیروزمندان در لبنان مدت‌هاست که مشخص شده‌اند و در عراق نیز بعد از فتح موصل و شکست داعش در ۲۰۱۷ نمایان شدند. برندگان و بازندگان جنگ داخلی سوریه نیز طی ماه اخیر که بشار اسد، روسیه و ایران کنترل تقریباً تمامی کشور را در دست گرفتند مشخص تر شدند.

کردهای عراقی و سوری هنگامی موفق شده بودند شبه‌دولت‌های خود را خلق کنند و گسترش دهند که دولت‌های مرکزی در بغداد و دمشق ضعیف بودند و در معرض حمله‌ی داعش قرار داشتند. این خرده‌دولت‌ها هیچ‌گاه قرار نبود بعد از شکست خلیفه‌گری داعش برجا بمانند: کردهای عراق استان نفتی کرکوک را در ۲۰۱۷ در برابر ارتش عراق از دست دادند و کردهای سوری نیز اکنون دریافته‌اند که بعد از قطع حمایت نظامی دونالد ترامپ شبه‌دولت [روزاوا](#) از سویی توسط ترک‌ها و از سوی دیگر توسط دولت سوریه تحت فشار قرار گرفته تا منهدم شود.

سرنوشت کردها تراژدی است، اما نوعی تراژدی ناگزیر. هنگامی که در ۲۰۱۷ داعش در محاصره‌ی رقهه شکست خورد دلیلی وجود نداشت که ایالات متحده بخواهد خرده‌دولت کردها را که دشمنان از همه‌سواحاطه‌اش کرده بودند حفظ کند. به‌رغم تمامی اتهامات کردها در خصوص [خیانت امریکا](#)، رهبران کرد این را می‌دانستند اما پشتیبان دیگری نداشتند که به آن روی آورند؛ بگذریم از روسیه و اسد که هیچ‌گاه دولت نیمه‌خودمختار کرد را تأیید نمی‌کردند.

طی سه سال گذشته یکی از مشکلات در تشریح تحولات خاورمیانه آن است که دستگاه سیاست خارجی امریکا که مورد حمایت تمامی رسانه‌های امریکایی و اروپایی است تمامی تحولات منفی را به پای پرزیدنت ترامپ می‌نویسد. اگر این تعبیر به کل گمراه‌کننده نباشد، ساده‌سازی مفروط رویدادها است. پشت کردن ناگهانی و منفعت‌طلبانه به کردها در برابر ترکیه شاید این مشکلات را دوچندان کرد، اما خارج کردن نظامیان

کوچک امریکایی از شرق سوریه کاملاً منطقی بود زیرا با چهار رقیب خطرناک و مصمم مواجه بودند: ترکیه، ایران، روسیه و دولت اسد.

حاصل نهایی جنگ‌های متعدد سوریه اکنون در برابرمان است: ترکیه منطقه‌ای کوچک و محصور را در سوریه نگه می‌دارد اما نیروهای نظامی روسی و دولت سوریه از بقیه‌ی مرز ترکیه و سوریه مراقبت می‌کنند و بر عقب‌نشینی نیروهای یگان‌های مسلح خلق به ۲۱ مایل در جنوب نظارت دارند. مهم‌ترین مسأله این است که مردم غیرنظامی کرد که از جنگ فرار کرده‌اند کی درمی‌یابند که امنیت کافی دارند تا برگردند. نکته‌ی کلیدی در نشست ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان در سه‌شنبه‌ی گذشته این بود که ترکیه به تدریج به سمت به رسمیت شناختن دولت اسد که مورد حمایت روسیه است به عنوان حافظ مرز جنوبی خود در برابری پ ژ عقب نشست. براین اساس احتمالاً ترکیه کار چندانی برای متوقف کردن دولت روسیه - سوریه برای حمله به منظور تصرف عدلیب، آخرین سنگر اپوزیسیون مسلح سوریه در عدلیب، نخواهد کرد.

عناصری که باعث شده بود نفرت‌های مذهبی و فرقه‌ای در لبنان و سوریه و عراق در گذشته این قدر ویرانگر باشد، راه را برای مداخله‌ی خارجی باز کرد. جناح‌های داخلی کارگزار کشورهای خارجی می‌شدند که به دنبال منافع خودشان بودند و آن‌ها را مسلح و تأمین مالی می‌کردند. دست کم امروز، برای تحریک اوضاع در این نوار شمالی خاورمیانه که ۴۴ سال است کانون جنگ بوده است، دولت‌های خارجی منفعتی ندارند و فعلاً شانس زودگذری برای ایجاد صلحی بادوام وجود دارد.

بیوند با منبع اصلی:

**[Mass protests replacing sectarian civil wars](#)**